

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان :

گزیده دیدگاه های رهبر انقلاب درباره صحیفه سجادیه



سامانه جامع محتوای تبلیغی بسته فرهنگی

[www.bastefarhangi.ir](http://www.bastefarhangi.ir)

## دعای پنجم صحیفه را مکرر در مکرر بخوانید

من به شما عزیزان توصیه می کنم که با صحیفه سجادیه انس بگیرید، دعای پنجم صحیفه سجادیه را مکرر در مکرر بخوانید. این دعای پنجم صحیفه سجادیه مال ماست. همه ادعیه صحیفه سجادیه همین طور است. انجایی که ما را به یاد مرگ می اندازد، انجایی که ما را از لغزشها برحذر می دارد، انجایی که عظمت معنویت دستگاه الهی را، از پیغمبر و یاران و ملائکه الهی را به رخ ما می کشد، اینها همه اش برای ما استحکام بخش است. در هر میدانی، استحکام درونی برای ما تعیین کننده است. اگر ساخت درونی - چه درون شخصی خود ما، درون روحی و فکری خود ما، چه درون کلیت جامعه ما - ساخت مستحکمی بود، هیچ چیز نمی تواند در مقابلش بایستد. این، مهمترین و اولین توصیه من به شماست. ۱۱.

## صحیفه سجادیه، علم النفس است

من به یکایک شما عزیزان توصیه می‌کنم تا آنجا که می‌توانید با صحیفه سجادیه مانوس شوید. کتاب بسیار عظیمی است. اینکه گفته اند زبور ال محمد، واقعاً همین طور است؛ پر از نغمه های معنوی است، دعا و درس است؛ هم درس اخلاق است، هم درس علم النفس است، هم درس امور اجتماعی است. آنجا ملاحظه کنید: (اللهم انی اعود بک من هیجان الحرص و سوره الغضب...والحاح الشهوه). یعنی یکی یکی این خصوصیات معنوی و اخلاقی و این ریشه های فاسدی را که در نفس ما هست، در زبان دعا به ما معرفی می‌کند.

شما باید علاج اینها را هم از خدا بخواهید. وقتی که با خدا راز و نیاز می‌کنید، از جمله چیزهایی که می‌خواهید، علاج همین مشکلات درونی و نفسانی است. آن جامعه ای که حداقل مجموعه بزرگی از آن با این خصوصیات پرورش پیدا کند، همان جامعه ای است که هیچ ترفندی در آن کارگر نخواهد شد. ۱۲

## ابعاد دیگر تقوا در صحیفه سجادیه

غالباً وقتی گفته می‌شود تقوا، پرهیزگاری، ذهن انسان می‌رود به رعایت ظواهر شرع و محرمات و واجباتی که دم دست ماست؛ نماز بخوانیم، وجوهات شرعی مان را بدهیم، روزه بگیریم، دروغ نگوئیم. البته اینها مهم است، همه اش مهم است؛ لیکن تقوا ابعاد دیگری هم دارد که غالباً ما از اینها غفلت می‌کنیم. در دعای شریف مکارم الاخلاق یک فقره ای در توضیح این ابعاد دیگر هست: (اللهم صل علی محمد و اله و حلنی بحلیه الصالحین و البسنی زینه المتقین)؛ از خدای متعال درخواست می‌کند که پروردگارا! مرا با زیور صالحان زیور بده و با لباس پرهیزگاران ملبس کن. خوب، این لباس پرهیزگاران چیست؟ آن وقت این شرح جالب است: (فی بسط العدل)؛ لباس پرهیزگاران در گستردن عدالت، (و کظم الغیظ)؛ در فرو بردن خشم، (و اطفاء النایره)؛ در فرو نشاندن آتش؛ تشهایی که بین افراد جامعه برمی‌افروزند. اینها تقواست. (و ضم اهل الفرقة)؛ افرادی که از شمایند، اما جدا شدند، سعی کنید اینها را گرد بیاورید. این جزو موارد تقواست، که در دعای شریف مکارم الاخلاق - دعای بیستم صحیفه مبارکه سجادیه - به آن اشاره شده است. این دعا، بسیار دعای مهمی است. من عقیده ام این است که همه، بخصوص کارگزاران، باید این دعا را بخوانند و در مضامینش دقت کنند؛ تعلیم دهنده است. (و اصلاح ذات البین)؛ به جای آتش افروزی، خیرچینی، این را به جان آن انداختن، آن را در پوستین این انداختن، اصلاح ذات البین کنند؛ بین برادران مومن، برادران مسلمان، ایجاد ایتلاف کنند؛ اینها تقواست. ۱۳

## اصلاح را از خودمان شروع کنیم

اگر این قوت و قدرت و استحکام روزافزونی که در جبهه اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود، ما را خاطر جمع کرد، بی دغدغه کرد، موجب خواب الودگی ما شد، موجب غرور و غفلت ما شد، خواهد شد خطر؛ این خطر است. باید این زنگ بیدارباش همیشه در چشم ما باشد. چه کار باید بکنیم؟ باید درون خودمان را اصلاح کنیم. اصلاح دایمی جزو وظایف دایمی ماست. درون را چه جوری اصلاح کنیم؟ اول از خودمان شروع کنیم. بنده، شخص حقیر مذنب عاصی از خودم شروع کنم. دیگران هم همین جور. اول رابطه خودمان را با خدای متعال درست کنیم، اصلاح کنیم و به آنچه که خدای متعال از ما سوال خواهد کرد،

بیندیشیم: (و استعمالنی بما تسالنی غذا عنه). این، از جمله چیزهایی است که باید داریم در ذهن ما باشد. نمی گویم خودمان که کاملاً اصلاح شدیم، بعد به اصلاح مردم پردازیم - که حالا ممکن است این به این اسانیها هم به دست نیاید - وقتی شروع به اصلاح خود کردیم، آن وقت اصلاح جامعه هم برای ما اسان خواهد شد. و او - اصلاح جامعه - اساتر از اصلاح نفس است. ۱۴.

## از زندان خودبینی و غرور خارج شویم

هر فردی باید از زندان نفسانیات و خودبینی و غرور، خود را خارج کند و از بیرون به خود بنگرد. همه ما به این تحوّل احتیاج داریم. جبلّت بشر با نقص امیخته است. کی می توانیم آن نقص ها را برطرف کنیم؟ وقتی آنها را ببینیم؛ وقتی آنها را بشناسیم و وقتی قبول کنیم که نقص داریم. اگر خودمان را مطلق دانستیم، مغرور شده ایم. خیال کرده ایم نقصی نداریم. پس چه وقت به فکر خواهیم افتاد که خود را علاج کنیم؟ وقتی که نقصهایمان را ببینیم و بشناسیم. شما ببینید معلّمین روحانی بشر، یعنی پیغمبران، یعنی ایّمه هدی علیهم السّلام، داریم چکشی به دست گرفته بودند و بر سر پیل دمانی که نامش نفس ماست، فرود می آوردند. نفس، یعنی آن بُعد انحطاط گرای وجود ما؛ آن بُعدی که شهوات را به ما القا و تلقین می کند و ما را به آن می کشاند. ضعف ها و نقص های ما از انجاست. باید خودنگری داشته باشیم تا ضعف ها را ببینیم.

شما ملاحظه فرمایید که امام سجّاد علیه السّلام، آن مرکز نورانیّت، آن معدن معنویت و کمال، زین همه عابدین عالم، در دعاهای صحیفه سجّادیه، با خود چگونه مواجه می شود و خود را چطور در مقابل پروردگار عالم قرار می دهد و استغاثه می کند! در نیمه شب و بعد از نماز شب؛ آن هم نه نماز شب ادم معمولی و عادی، بلکه نماز شب سید سجّاد، آن امام همام، به پروردگار عالم رو می کند و می گوید: (و هذا مقام من استجبی لنفسه منک و سخط علیها و رضی عنک). یعنی (پروردگارا! من به خاطر نفس خودم، به خاطر ضعف ها و نقص های خودم از تو شرمندم ام. بر نفس خود خشمگینم و از تو راضی ام). این جمله را امام سجّاد علیه السّلام، به پروردگار عالم می گوید: (فتلقیک بنفس خاشعه و رقبه خاضعه). بازنگری در خود این است، که انسان، اسمان کمال را مرحله پس از مرحله طی می کند و کامل می شود. اگر انسان های والا پدید می آیند و اگر معنویات و زیبایی های خود را ظاهر می کنند و نشان می دهند، همه بر اثر بازنگری در خود و دیدن نقایص و عیب های خود است. برخلاف انسانی که چشم را بر روی همه این ضعف ها ببندد؛ خود را فارغ بداند؛ مغرور به خود و مغرور به خدا شود؛ مغرور به اندک شعله نورانیّتی شود که در وجود او و بالاخره در وجود هر انسانی هست و خود را نشان داده است و نهایتاً به همین قانع شود. بعضی افراد هستند که به کمترین خیری از خیرات در وجود خودشان قانعند. فردی که چنین است، دیگر کمال را نمی تواند طی کند. ۱۵.

پی نوشت ها

۷/۱۰/۱۳۹۰]۱[

۱۳/۷/۱۳۷۶]۲[

۲۷/۵/۱۳۸۹]۳[

۲۵/۶/۱۳۸۹]۴[

۲۸/۱/۱۳۷۵ [۵]